

راندال کنان نویسنده آمریکایی را مارکز سیاهان لقب داده‌اند.

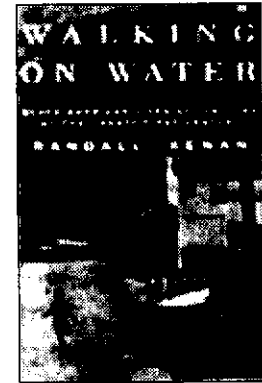
او در آخرین کتابش به تحلیل وضعیت زندگی سیاهان آمریکا پرداخته و گزارشی از این زندگی در واپسین سال قرن بیستم ارائه کرده است.

این اثر حاصل گفت‌وگو یا بیش از ۲۰۰ سیاه‌پوست آفریقایی تبار در آمریکا و کانادا است. آن چه می‌خوانید گزارشی از این اثر است.

بر روی جلد کاغذی کتاب راه‌رفتن روی آب اثر راندال کنان (Randall Kenan) توصیه‌نامه‌ای به خوانندگان، به شرح زیر نوشته شده است:

«جامعه سیاهان آمریکا در آستانه ورود به قرن بیست‌ویکم از این کتاب به عنوان تصویری غنی‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تر از آنچه تاکنون درباره تجربه شگفتی‌آور سیاه بودن در آمریکا در اختیار ما بوده، استقبال می‌کند.»

این سخنان تا حدودی درست است به عبارتی، غنی‌تر بودن و کامل‌تر بودن کتاب را می‌توان پذیرفت، اما



دقیق‌تر بودن آن را نه. راه‌رفتن روی آب کتابی است با موضوعات پراکنده، سرگردان، حکایتی، ناقص و تا حدودی بی‌شکل. اما این اثر در مجموع اثری است زیبا. اگر کسی می‌خواست چنین طرحی را با هدفی معین و از پیش تعیین شده به اجرا درآورد نتیجه کار چیزی نمی‌شد به جز اثری پر از یاه‌سرایی و یا تصویری از یک جامعه پوینده که توسط یک طرفدار چرب‌زبان جذب مهاجران غیر سفیدپوست در جامعه آمریکا ارائه شده، در صورتی که کنان هیچ‌یک از دو هدف فوق را پی‌نمی‌گیرد و تنها به گزارش کردن نظرات حدود دویست آمریکایی و یک کانادایی سیاه‌پوست که در طی یک دوره ۶ ساله با آن‌ها مصاحبه کرده است، می‌پردازد. نویسنده در فصل پایانی کتاب که به نطق اختتامیه صحنه آخر یک نمایش می‌ماند به یکی از مصاحبه‌شوندگان یعنی خانم نویسنده، اکتاویا باتلر، اجازه می‌دهد تا آنچه را که کنان در جست‌وجوی آن است تبیین کند: «بعد از مدتی، او از من پرسید که حالا روی چه کتابی کار می‌کنم، و من به موجزترین شکلی

که می‌توانستم برای اکتاویا موضوع کتاب را شرح دادم. با دهان بسته خنده‌ای کرد و گفت: «مثل این است که بگوییم شما در حال نوشتن کتابی درباره معنای انسان بودن هستید.»

راندال اضافه می‌کند: «و حقیقتاً هم چنین بود.» از هر لحاظ، داستان‌هایی که کنان روایت می‌کند می‌توانند مربوط به هرکسی باشند. بیشتر ما، چه سیاه، چه سفید، چه زرد و چه سرخ‌نگران خانواده خود، دوستداران خود، همسایگان خود، جهانی که برای فرزندان ما می‌ماند و فرزندان فرزندانمان هستیم. این موضوعات که به ژرفای وجود ما رخنه کرده‌اند، استمرار تجربیات انسانی را تضمین می‌کند، تجربیاتی که از سدهای بناشده به واسطه رنگ پوست انسان‌ها فراتر می‌روند و صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی، مصاحبه‌شوندگان در کتاب کنان بیانی نیش‌دار می‌یابند اما در هر حال، این حقیقت به‌قوت خود باقی می‌ماند که سوزهای آمریکایی کنان با یک سؤال دردناک در رابطه با موجودیت خود مواجه

جاه‌طلبی نیز در سرتاسر اثر کنان هستیم. در پایان، کنان به سوزهایش اجازه می‌دهد تا فردیت خود را حفظ کنند، و همین مسأله الزاماً اثر وی را به چیزی کمتر از یک بررسی جامع و کامل که از ابتدا درصدد خلق آن بود، تبدیل کرده است. اما راه رفتن روی آب را می‌توان به عنوان کتابی که معترف اندازه و گوناگونی جامعه آفریقایی-آمریکایی ایالات متحده است، اثری موفق دانست.

### نظرات ناشر

انتونی والتن، ناشر کتاب می‌گوید:

کنان با رد هرگونه ادعا برای ارائه یک بینش ویژه در خصوص ابعاد خصوصی زندگی سیاهان آمریکا، با تمایل خود برای محق دانستن ما در داشتن برخی پیچیدگی‌های انسانی، و از طریق نشان دادن سخاوت روح خسودو در پذیرش و درک آسیب‌پذیری‌ها و ضعف‌های اخلاقی که در بین ما رواج دارد، به اثری شکل داده که بحث و جدل‌های نژادی و فرقه‌های دیروز

## نگاهی به راه‌رفتن روی آب اثر: راندال کنان

WALKING ON WATER  
RANDALL KENAN  
ترجمه علی شادروح

# معنای شگفت سیاه بودن

را به کناری نهاده و زندگی آفریقایی-آمریکایی‌ها را در پایان قرن حاضر و در شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهد. کنان در نیوانگلند دورافتاده و بخش جنوبی پرجمعیت شیکاگو، تب نژادی را اندازه‌گیری می‌کند و حقایق پیچیده‌ای را که کشف می‌کند، چه بد و چه خوب به ما می‌گوید. من به رحم و شفقت و صداقت وی سلام می‌کنم و جاه‌طلبی او را با تمام وسعت و قدرت آن، می‌ستایم.

رابرت گولز، منتقد، ضمن این که کنان را نویسنده مستعد داستان‌های تخیلی معرفی می‌کند، می‌افزاید: نویسنده در عین استفاده از بهترین ستن مستندنویسی، به طرز تعجب‌آور و الهام‌بخش از کلیه امکانات موجود برای بخشیدن حکایتی به اثر خود استفاده کرده است. کنان از مهارت خود در زمینه داستان‌سرایی برای معرفی گروهی از آمریکایی‌ها به بهترین وجه بهره‌جسته است.

مانینگ مارابل (استاد تاریخ و رئیس موسسه

هستند. در کشوری که هویت انسانی شما هنوز به هزاران طریق جزئی یا نه‌چندان جزئی مورد مناقشه است، انسان بودن چه معنایی دارد؟ در کشوری که رسانه‌های گروهی آن به‌طور مداوم انگ مجرم بودن، معتاد بودن و یا انگل اجتماع بودن به شما می‌زنند، انسان بودن چه معنایی دارد؟ در جایی که شاید پدر یا پدربزرگ شما به دست جماعت نژادپرست زجرکش شده‌اند؟ در جایی که شما را می‌توانند در جلوی در خانه‌تان به گلوله بزنند و یا تروریست‌های یونیفورم‌پوش در روز روشن شما را از اتومبیلتان بیرون بکشند و مورد ضرب و شتم قرار دهند؟ در جایی که به رغم سابقه سیصدساله شهروند بودن خانواده‌تان، هنوز به چشم یک بیگانه به شما نگاه می‌کنند؟

پاسخ انسان‌هایی که در راه‌رفتن روی آب مورد مطالعه قرار گرفته‌اند به اندازه خودشان متنوع است و اگر گه‌گاه جریانی از خشه، اندوه و رنجش از لابه‌لای تعداد زیادی از حکایات وزیدن می‌گیرد، در مقابل آن شاهد جاری شدن رودخانه‌ای از بردباری، غرور و

تحقیقات و مطالعات در خصوص زندگی آفریقایی - آمریکایی‌ها در دانشگاه کلمبیا، معتقد است که گنان به نوعی غیرممکن را ممکن ساخته است، یعنی او توانسته شعر و قومیت‌شناسی را با حکایتی شگفتی آور درباره معنای سیاه بودن در انتهای قرن حاضر، درآمیزد راه رفتن روی آب به زیرکی، پیچیدگی و تناقضات زیبای موجود در شمایل کلی زندگی سیاهان آمریکا را به ما انتقال می‌دهد. مطالعه این اثر تجربه‌ای خارق‌العاده است.

سالم موکل از شیکاگو تریبیون می‌نویسد:

این کتاب آکنده از وزن‌های پی‌درپی حماسی... پرده نقش‌داری است از مکان‌ها، مردم و تفکرات شخصی که در مجموع چیزی به مراتب بیشتر از تک‌تک اجزای این پرده به ما می‌دهد. شاهکار گنان سندی است جامع از زندگی آفریقایی - آمریکایی‌ها در انتهای قرن بیستم. این اثر، نوشته‌ای است عاشقانه و متاعی پرشکوه برای آیندگان.

و سرانجام منتقدی از ارگون می‌نویسد:

کلیشه‌های جامعه شناختی ساده‌لوحانه، پایین آوردن گنان می‌نویسد: «اثر من، چیزی بیش از یک تجزیه و تحلیل و در واقع تجسسی در روح انسان‌هاست. من می‌پرسم که ما چه کسانی هستیم؟» او سرتاسر آمریکای شمالی را در می‌نوردد و از برخی محیط‌های محل‌های غیرعادی (از جمله بانگور، مین و میدستون از شهرهای ناحیه ساسکاچوان در کانادا) دیدن می‌کند تا کشف کند که رفقای سیاه‌پوست به طور روزمره چگونه با مسائلی از قبیل نژاد، هویت و ملیت کنار می‌آیند. از یک وزیر سیاه‌پوست در مورمون ایالت یوتا گرفته تا یک قاضی زن در شهر سر تراشیده‌های خشونت‌طلب و تا ایالت سیاهان در مدینه فاضله سیاتل، گنان تمام‌رخ افشاءکننده از مردمی تصویر می‌کند که حضور و مساعی آن‌ها می‌تواند در قرن بیست و یکم آمریکایی بهتر بسازد.

یوجین هولی

این نظر آلن ولف منتقد نیویورک تایمز نیز درخور

فرضیات گنان در خصوص هویت سیاه‌پوستان در محیط‌های نه‌چندان مأنوسی مانند ورمونت و مین، توسط "جک" به مبارزه خوانده می‌شود. "جک" سفیدپوستی است که در بطن بخشی از فرهنگ سیاهان پرورش یافته و به همین صورت به زندگی خود ادامه می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که کالیفرنیا مکان بهتری برای دست یافتن به قلب جامعه سیاهان باشد و تعجیبی ندارد که گنان در آن‌جا با صنعت سینما روبه‌رو می‌شود. نقطه‌نظرات او بیشتر روی تحریف واقعیت‌های مربوط به سیاهان بر روی پرده سینما متمرکز است، اما در عین حال، صحبت او با چارلز بارنت، بیشتر این موضوع را می‌رساند که تحریف حقیقت یک واقعیت هالیوودی است. راه رفتن روی آب حشر و نشر با انسان‌های جالب است که ما بارها در این اثر با آن مواجه می‌شویم.

معدالک در پایان به این نتیجه می‌رسیم که مصاحبه‌های انجام شده تنها در حاشیه قرار می‌گیرند و نویسنده اثر در سرتاسر کتاب متکلم‌وحده می‌شود.



## در قرن بیستم

من اخیراً خواندن داستان بلندی به نام Pseudo Cool را به قلم جوزف گرین به پایان رساندم. این اثر، داستانی است قوی درباره آمریکایی‌ها آفریقایی و مبارزهای که آن‌ها باید در حین درس خواندن در موسسات آموزشی تحت سلطه سفیدپوست‌ها، به آن تن در دهند. کتاب راه رفتن روی آب نیز مانند کتاب گرین به واسطه بررسی دقیقی که از تجربه سیاهان آمریکا ارائه می‌دهد مرا تکان داد. تجربه‌ای که ناگفته‌های بسیاری سرآغاز آن بوده و پایان شناخته‌شده‌ای برای آن متصور نیست. من مطالعه هر دو کتاب را قویاً توصیه می‌کنم.

### فراتر از تحلیل

راه رفتن روی آب، این نمونه جذاب و پرتنوع از زندگی جامعه آفریقایی - آمریکایی که از مطالب دوپست مصاحبه‌شونده، توسط گنان گلچین شده، نشان می‌دهد که نظریه آمریکایی سیاه بودن به پهنای خود آمریکاست و نمی‌توان اهمیت آن را تا حد

توجه است که کتاب را سرشار از شفقتی انسانی می‌داند و می‌نویسد:

گنان، همه قواعد جامعه‌شناسی را زیر پا می‌گذارد و شاید تنها به همین دلیل باشد که کتاب او به عنوان تصویری از بصیرت و رحم و شفقت انسانی، اثری موفق به‌شمار می‌آید.

### یک نقد

تعمقی مشخص در هیأت یک تحقیق درباره طبیعت ذاتی جامعه سیاهان آمریکا. گنان، خالق داستان بلند عبادت ارواح چاپ سال ۱۹۹۲ در جست‌وجوی معنای سیاه بودن، سراسر کشور را در می‌نوردد

او با مجموعه‌ای از افراد منتخب به مصاحبه می‌نشیند و نقطه‌نظرات خویش را با مباحث روشن‌فکری سیاهان آمریکا و تاریخچه جامعه سیاه در آمریکا درهم می‌آمیزد. او اثری انسانی به سبک اولیس نوشته جیمز جویس درباره هرآنچه نویسنده در مسیر خود با آن مواجه می‌شود، نوشته است.

چنانچه گنان سرانجام خاطر نشان می‌سازد، آنچه او ارائه می‌دهد مجموعه‌ای از افکار دیگران نیست بلکه تاریخچه شخصی نویسنده از اوضاع پنج سال اخیر تلقی می‌شود.

تفکرات گنان در مجموع شایستگی مطالعه و اظهار نظر را دارد و همین ویژگی اثر نویسنده را از ادعا، تظاهر و فریب‌کاری دور می‌سازد.

نتیجه‌گیری گنان در انتهای کتاب قابل پیش‌بینی اما ژرف است: هیچ عنصری وجود ندارد که بتواند روح سیاهان آمریکا را تبیین کند. با نگاهی دقیق و جدی به سیاهان آمریکا به فردیت ذاتی آن‌ها پی می‌بریم؛ و گنان به جای تمجید از صفات آن‌ها اثر خود را به پایان می‌برد. با وجود آن که همیشه نمی‌توان به وضوح به این نتیجه رسید که آیا اثر گنان یک درون‌نگری قدرتمند است و یا تلاشی برای ارضای غلایق و غرایز شخصی، اما بدون تردید راه رفتن روی آب ارزش خواندن را دارد.

به نقل از Kirkus Reviews اول فوریه ۱۹۹۹.